Volume 23, Issue 1 (January- February 2024)

PAYESH

Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research

The relationship between aggression and quality of life of couples seeking divorce

Seyed Alireza Afshani[1], Azade Abooei[2*], Fateme Asihaddad[2]

1. Social Science Department, Welfare and Social Cooperation Department, Yazd University, Iran
2. Humanity Faculty, Counselling Department, Science and Arts University, Yazd, Iran

Received: 1 June 2022
Accepted for publication: 22 October 2023
[EPub a head of print-2 December 2023]
Payesh: 2024; 23(1): 91- 100

Abstract

Objective (s): This study aimed to assess the relationship between aggression and the quality of life of couples applying for divorce.
Methods: This was a cross sectional study. The statistical population was all couples who applied for divorce and referred to the Yazd Family Consolidation Center, Iran in 1400. Of these, a sample of 180 individuals were selected through availability. The Aggression Questionnaire (AQ) and the World Health Organization Quality of Life (WHOQOL-100) questionnaire were used to collect the data. The data were analyzed by performing Pearson's correlation and structural equation modeling.
Results: The findings obtained from the correlation matrix showed that there was an inverse and significant relationship between the dimensions of aggression and the dimensions of quality of life ($r = -0.43$). The structural equation model also showed that aggression had an inverse and significant effect on quality of life ($p<0.01$). In total, the aggression explained 18% of the variance of the quality of life. The fit indices indicated the goodness of fit of the model and supported the data for the model.
Conclusion: Quality of life has an inverse relationship with aggression in general. In particular, anger and physical aggression are related to mental health reduction.

Keywords: Couples, Divorce, Quality of Life, Aggression

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

[*] Corresponding author: Humanity Faculty, Counselling Department, Science and Arts University, Yazd, Iran
E-mail: a.abooei@tea.sau.ac.ir

رابطه بین پرخاشگری و کیفیت زندگی در زوجین متقاضی طلاق

سیدعلیرضا افشانی[۱]، آزاده ابویی[۲]، فاطمه عاصی‌حداد[۲*]

۱. دانشکده علوم اجتماعی، بخش رفاه و تعاون اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران

۲. دانشکده علوم انسانی، گروه مشاوره، دانشگاه علم و هنر، یزد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۳۰

[نشر الکترونیک پیش از انتشار- ۱۱ آذر ۱۴۰۲]

نشریه پایش: ۱۰۰- ۹۱ :(۱)۲۳؛ ۱۴۰۲

چکیده

مقدمه: طلاق یکی از مسائل شایع بین زوجین است. بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی پرخاشگری در خانواده پرداخته‌اند اما اینکه کدامیک از انواع پرخاشگری، به ویژه بین زوجین متقاضی طلاق، فراوانی بیشتری دارد، کمتر مورد توجه محققان بوده است. این پژوهش، تعیین رابطه بین پرخاشگری و کیفیت زندگی زوجین متقاضی طلاق بود.

مواد و روش کار: جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی زوجین متقاضی طلاق و مراجعه‌کننده به مرکز تحکیم خانواده شهر یزد در سال ۱۴۰۰ بودند که ۱۸۰ نفر از آنها به صورت نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه (AQ) و پرسشنامه (WHOQOL-100) بود. جهت تحلیل داده‌ها ازضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری از نرم‌افزارهای SPSS و Amos استفاده شد.

یافته‌ها: در مجموع، پرخاشگری کمتر از متوسط نظری و کیفیت زندگی، بیشتر از متوسط نظری بوده است. یافته‌های به دست‌آمده از ماتریس همبستگی نشان داد بین ابعاد پرخاشگری با ابعاد کیفیت زندگی، رابطه معکوس و معنی‌دار وجود داشت. مدل معادله ساختاری نیز نشان داد پرخاشگری بر کیفیت زندگی اثر معکوس و معنی‌دار دارد ($P<0.01$). در مجموع، متغیر پرخاشگری، ۱۸ درصد از واریانس متغیر کیفیت زندگی را تبیین کرد. شاخص‌های برازش نشان‌دهنده مطلوبیت برازش مدل و حمایت داده‌ها از مدل بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه کیفیت زندگی با پرخاشگری رابطه معکوس و خشم و پرخاشگری بدنی با کاهش سلامت روان رابطه دارند، لازم است متخصصان در حوزه خانواده این مهم را برای اقدامات پیشگیرانه در نظر بگیرند.

کلید واژه‌ها: زوجین، طلاق، کیفیت زندگی، پرخاشگری

کد اخلاق: IR.ACECR.JDM.REC.1401.057

* نویسنده پاسخگو: یزد، دانشگاه علم و هنر، دانشکده علوم انسانی، گروه مشاوره

E-mail: a.abooei@tea.sau.ac.ir

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

مقدمه

طلاق یک پدیدهی روانی است که بر فرد و خانواده اثر میگذارد و پدیدهای چندعاملی است که آثار مخرب آن در ابعاد اجتماعی و روانشناختی فوق العاده زیاد بوده و موجب ایجاد نابهنجاریهای روانی و اجتماعی بسیاری میشود [۱] طلاق نوعی گسستگی عاطفی است که بدون شک دردناک بوده و آسیبهای فروان جسمی، روحی و روانی و اخلاقی را برای زوجین به همراه دارد [۲] یکی از عوامل بسیار مهم که میتواند منجر به ناسازگاری زناشویی شود و زوجین را به سمت طلاق سوق دهد، کنترل عواطف است، چرا که افراط و تفریط در عواطف افراد را به سمت ناسازگاری، پرخاشگری، خشم، نفرت و اضطراب سوق میدهد که این جریان بهداشت روانی و عواطفی افراد را به گونهای جدی تهدید میکند[۳]. پرخاشگری به لحاظ تاریخی از نظر جهتگیری ، عمق و فراگیری متنوع است. ابتدا اکثر محققان و دانشمندان به تبعیت از پیشگامان رفتارگرایی از جمله باس، پرخاشگری را واکنشی با هدف آسیب رساندن به جاندار دیگر توصیف میکردند؛ اما این تعریف به دلیل محدودیت های آن گسترش یافته و اصلاح شد تا جنبه های غیر رفتاری یعنی قصد، هدف، اجتناب و نقض هنجارها را شامل شود[۴] نگرشهای ناکارآمد موجب احساس بی کنترلی و بدبینی در افراد میشود و به رفتارهای پرخاشگرانه دامن میزند د[۵]. از مهمترین پیامدهای ناتوانی در کنترل عواطف، بروز خشونت و رفتارهای پرخاشگرانه در زندگی زناشویی است که زوج را به سمت طلاق و جدایی سوق میدهد. شروع دلزدگی زناشویی، اختلاف و درگیری بهندرت، ناگهانی است و معمولاً تدریجی بوده و به سختی از یک پدیده ناگوار یا حتی چند ضربهی ناراحت کننده، ناشی میشود. در واقع انباشته شدن سرخوردگیها و تنشهای زندگی روزمره، سبب فرسایش میشود. یکی از عوامل بسیار مهم در دلزدگی زناشویی و سوق دادن زوجین به سمت طلاق، خشونت و پرخاشگری در زندگی زناشویی است [۶] طلاق باعث از هم پاشیده شدن کانون گرم خانواده میشود و همبستگی بین زن و مرد را میگسلد. امروزه پدیدهی طلاق در سطح دنیا رو به فزونی است و در کشور ما نیز این پدیده طی سالهای اخیر افزایش پیدا کرده است [۷]. طبق آماری که سال ۱۳۹۹ توسط سازمان ثبت احوال کشور منتشر شد نسبت طلاق نسب به سال قبل ۴٫۴٪ رشد یافته است. در حالیکه آمار طلاق در سال ۲۰۲۰ در کشورآمریکا ۵٫۱٪ گزارش شده است. مفهوم کیفیت زندگی سابقه در فلسفه یونان دارد و ارسطو در بحث شادکامی به آن اشاره کرده است. همچنین آمارتیاسن کیفیت زندگی را با قابلیتهای کارکردی افراد مرتبط میداند و بر این باور است که برخورداری از قابلیتهایی چون سلامت، روابط اجتماعی، عزت نفس و مشارکت در امور مختلف انسان نمیتواند از مزایا و منافعی که قاعدهی مذکور آنها را بدیهی میشمارد، بهرهمند شود [۸] کیفیت زندگی به بررسی تأثیر تمام موضوعاتی میپردازد که باعث بالارفتن سطح معنی زندگی، افزایش شادی، خوشی و سلامت روان افراد میگردد. یعنی زندگی که هم دارای معنا و محتوا باشد و هم سرشار از بهرهمندی و نعمت. اما مفهوم کیفیت زندگی یک مفهوم ساده و مستقیم نیست بلکه، فرآیندی است که توصیف آن اصلاً ساده نیست. بنابراین نمیتوان با بررسی یک جنبه از زندگی انسان به مفهوم کیفیت زندگی یا رضایت از آن رسید، زیرا کیفیت زندگی به پیشینهی اقتصادی و اجتماعی افراد و تجربیات زندگیشان بستگی دارد [۹] نتایج پژوهشهای مختلف حاکی است که کیفیت زندگی زوجین متقاضی طلاق نسبت به زوجین عادی از سطح مطلوبی برخوردار نیست و به علل مختلف از جمله خشونت، کیفیت زندگی این افراد در سطح پایینی قرار دارد[۱۳-۱۰] نتایج پژوهش تقوی دینانی و همکاران، نشان داد مؤلفههای شناختی- منشی مانند اختلالات شخصیت، هیجانی- عاطفی مثل عدم تعادل هیجانی و رفتاری مانند عدم کنترل خشم و پرخاشگری در وقوع طلاق نقش بسزایی دارند [۱۴].

پژوهش صدیق و همکاران نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین پرخاشگری و اضطراب با کیفیت زندگی در دانشجویان وجود دارد [۱۵] همچنین مومنی و همکاران طی پژوهشی دریافتند افرادی که تنظیم هیجانی پایینی دارند به دلیل ضعف در مهارتهای ارتباطی قادر به برقراری رابطه عمیق و رضایتبخش با دیگران نیستند و همین مساله زمینه بروز رفتارهای پرخاشگرانه را فراهم میکند که عامل زمینهساز طلاق است [۱۶]پژوهش حبیب پورگتابی و نازکتبار که به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استان مازندران پرداختند، نشان داد خشونت و پرخاشگری از جمله عوامل مؤثر بر میل به طلاق است [۱۷] یافته های پژوهش قریشی، شیرمحمدی و برجون که به بررسی عوامل طلاق از منظر زنان و مردان در معرض طلاق و طلاق گرفته در شهر سقز پرداختند، نشان داد فراوانی خشونت و پرخاشگری و رفتارهای ناسازگارانه، نبودِ صمیمیت و فرسایشی بودن رابطه از جمله عوامل مؤثر بر میل به طلاق زوجین بوده است [۱۸] فولادی و شاه نعمتی گاوگانی که در

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

پژوهش خود به بررسی عوامل طلاق در استان آذربایجان شرقی پرداختند، عوامل را به ۴ دستهی فردی، بینفردی و اجتماعی و اقتصادی تقسیم کردند. از جمله عوامل بینفردی معرفی شده، خشم و خشونت نسبت به طرف مقابل بوده است که زوج را به سمت طلاق سوق میدهد [۱۹] نتایج پژوهش رنسانتی، بارنی و اوگلیا که به بررسی نقش ارزشها بر کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در بچههای طلاق پرداختند، نشان داد پایبندی به ارزشها، رفتارهای پرخاشگرانه را کاهش میدهد [۲۰] پژوهشهای متعددی به عواملی همچون برآورده نشدن انتظارات همسر، دخالت دیگران، تفاوتهای سنی و تحصیلی و تفاوت در عقاید زوجین و اختلالات روانی بهعنوان عوامل ناسازگاری بین همسران اشاره کردهاند. در این پژوهشها، نبود روابط مطلوب بین زوجین، برآورده نشدن خواستهها و نیازها، نبودِ صمیمیت که به افزایش تعارضات زناشویی و بروز مشکلات عاطفی و روانی میانجامد را از جمله دلایل مهم بروز خشونت و پرخاشگری معرفی کردهاند [۲۱] یافتههای پژوهش پورمحسنی کلوری و رنجبر نشان داد حساست به قربانی شدن و نشخوار خشم به عنوان عوامل روانشناختی موثر بر بروز رفتار پرخاشگرانه در زوجین هستند، همچنین هرچه زوجین بیشتر خشم را درون ریزی کنند، پیامدهای رفتاری منفی بیشتری را در زندگی مشترک خود تجربه میکنند[۲۲].

زوجهای در آستانهٔ طلاق بهعلت تعارضات بالا و افکار و هیجانات منفیای که دارند، کیفیت زندگی نامناسبی داشته و رضایت از زندگی پایینی را تجربه میکنند. همانطور که ملاحظه شد، پرخاشگری با مؤلفههای متعدد بهداشت روان، رابطه معکوس دارد. با اینحال مطالعهٔ محدودی در این زمینه در رابطه با زوجین متقاضی طلاق، بهویژه در ایران انجام شده است و چگونگی رابطه بین پرخاشگری وکیفیت زندگی، خیلی روشن نیست. بنابراین درک نقش پرخاشگری و ارتباط آن با کیفیت زندگی از لحاظ نظری و کاربردی بسیار مهم است. به همین دلیل محققان بر آن شدند که رابطه بین پرخاشگری و کیفیت زندگی را در زوجین متقاضی طلاق مورد بررسی قرار دهند.

مواد و روش کار

روش این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری تمام زوجین متقاضی طلاق مراجعهکننده به مرکز تحکیم خانواده در سال ۱۴۰۰ به ۳۳۸ نفر بودند که تعداد ۱۸۰ نفر از آنها طبق جدول مورگان و به روش در دسترس انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. معیار ورود افراد شرکت کننده در مطالعه عبارت بودند از: رضایت از شرکت درپژوهش، تحصیلات ابتدایی یا بالاتر و نداشتن مشکلات روانی خاص از جمله اختلالات شخصیت. معیار خروج افراد عبارت بودند از: عدم رضایت افراد از شرکت در پژوهش، استفاده از مواد روانگردان و سو مصرف مواد و وجود بیماریهای روانی شدید یا ناتوانکننده که امکان حضور در برنامه را از فرد سلب میکند .

ابزار سنجش

پرسشنامه پرخاشگری (AQ) :باس و پری ارزیابی رفتار پرخاشگرانه را با ۵۲ گویه در زمینه پرخاشگری بر روی سه گروه از دانشجویان با سه هدف اجرا کردند. آنان با گروه اول (۴۰۶نفر دانشجو) گویههای پرسشنامه را به روش مؤلفههای اصلی مورد تحلیل عاملی قرار دادند. در این تحلیل چهارعامل انتخاب که در پایان با عنوانهای پرخاشگری بدنی، کلامی، خشم و کینهورزی نامگذاری گردیدند. در گروه دو (۴۴۸نفر دانشجو) آزمون چهار عامل استخراجی (پرخاشگریکلامی، خشم و کینهورزی) بهروشتأییدی انجامشد که یافتههای این تحلیل، وجود این چهار عامل برگرفته از مرحله اول را تأیید نمود. در مرحله سوم برای بررسی پایایی عوامل موجود در پرسشنامه به روش بازآزمایی، یافتههای به دست آمده از بررسی ۳۹۹ دانشجو بهروش اکتشافی (مؤلفههای اصلی) تحلیل گردید که یافتههای این تحلیل نیز یافتههای مرحلهٔ اول و دوم را تأیید نمود. در همهٔ مراحل یادشده باس و پری برای انتخاب پرسشها و یا محتوای هر یک از عوامل پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و کینهورزی بر پایه دو ملاک یا شرط اقدام نمودند. ملاک و یا شرط اول برای نسبتدادن گویهها به هر عامل، دارابودن بار عاملی مساوی و یا بیشتر از ۰/۳۵، و شرط دوم مشاهده شرط اول در هر سه مرحله تحلیلعاملی بود. در نهایت با به کارگیری این دو شرط، ۲۹گویه از ۵۲ پرسش موجود در فرم اولیه برای ارزیابی چهار عامل پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و کینهورزی انتخاب شدند. این پرسشنامه دارای ۲۹ سوال است که جواب هر سوال به صورت طیف لیکرت پنج درجه ای شامل اصلا شبیه من نیست، تا حدی شبیه من نیست، فقط اندکی شبیه من است، تا حدی شبیه من است، کاملا شبیه من است ، میباشد.

در بررسی پایایی فرم نهایی مقیاس پرخاشگری (فرم ۲۹گویه پرسشنامه) به روش بازآزمایی بر روی۳۷ نفر پس از نه هفته ضریب همبستگی ۰/۸، ۰/۷۶، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ به ترتیب برای عوامل پرخاشگری بدنی، کلامی، خشم و کینهورزی گزارش گردید [۲۳].

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

در ایران نیز سامانی پرسشنامه پرخاشگری ۲۹ گویه ای باس و پری را هنجاریابی کرد. وی به بررسی پایایی پرسشنامه به روش بازآزمایی و محاسبه ضریب همبستگی گشتاوری در مورد ۴۰ نفر از دانشجویان با فاصله زمانی دو هفته پرداخت. ضرایب پایایی به دست آمده ۰/۷۴، ۰/۷۸، ۰/۶۸، ۰/۶۸بودند که به ترتیب به خشم، پرخاشگری، رنجیدگی و بدگمانی تعلق داشتند[۲۳].

پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL-100): مفروضهٔ اساسی مقیاس کیفیت زندگی(QLI) این است که رفتارهای فرد در پاسخ به جنبه‌های خاص محیطی، معرف کیفیت زندگی تلقی شده است. در سال سازمان بهداشت جهانی، شروع به اجرای پروژه‌ای کرد که هدف آن ایجاد ابزار کیفیت زندگی در پانزده کشور بود. هدف این پژوهش بین‌المللی، رسیدن به تعریفی کلی برای کیفیت زندگی و ساخته شدن وسیلهٔ اندازه‌گیری به شکل‌پرسشنامه گروه بود که در فرهنگ‌های مختلف استفاده‌پذیر باشد. پرسش‌نامهٔ کیفیت‌زندگی سازمان بهداشت جهانی ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. اول این‌که، این ابزار با همکاری سازمان بهداشت جهانی و حدود پانزده مرکز بین‌المللی تهیه شده است. درواقع معیار سنجش، بین‌المللی است، به علاوه چون به روش خود سازمان فوق، ترجمه شده است، در زبان‌های مختلف از لحاظ تکنیکی ادراکی و علم معانی یکسان است و آلفای کرونباخ ۰/۷۳ گزارش شده است[۲۴]. در ایران، کریملو و همکاران خطاط با ترجمهٔ این پرسش‌نامه به زبان فارسی و بررسی ساختارهای روان‌سنجی، آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آوردند. همچنین، آنان همبستگی گستردهٔ ابعاد پرسش‌نامه را گزارش کردند و این که پرسشنامه روایی تشخیصی بالایی دارد. داده‌های به دست آمده از پژوهش، با استفاده از روش‌های آماری توصیفی میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی (آزمون تی و تحلیل هم پراکنش‌تحلیل) تجزیه و تحلیل شد. پرسشنامهٔ کیفیت زندگی: نسخهٔ ایرانی پرسشنامهٔ کیفیت زندگی ۲۶ گویه دارد و ۴ حوزهٔ سلامت جسمانی، سلامت روانشناختی، محیط زندگی و روابط با دیگران را اندازه‌گیری می‌کند. ضرایب پایایی بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۴ برای آن گزارش و اعتباریابی آن با پرسشنامه سلامت روان مناسب گزارش شده است [۲۵]. طبق تحقیق کریملو و همکاران نتایج آزمون- بازآزمون مطالعه مقدماتی نشان داد که نسخه‌ی فارسی پرسشنامهٔ کیفیت زندگی قابلیت تکرارپذیری قابل قبولی دارد (ضرایب همبستگی درون‌گروهی بالاتر از ۰/۷بود). پایایی آزمون-بازآزمون برای زیر مقیاس‌ها به این صورت به دست آمد: سلامت جسمانی ۰/۷۷، سلامت روانی ۰/۷۷، روابط اجتماعی ۰/۷۵، سلامت محیط ۰/۸۴[۲۵]. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۹، ۰/۷۸ و ۰/۷۳ و پرخاشگری (سازه کلی) ۰/۸۷ بدست آمد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای سلامت جسمی، سلامت روان، روابط اجتماعی و سلامت محیط، به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۵، ۰/۸۱ و ۰/۷۲ و کیفیت زندگی (سازه کلی) ۰/۸۲ حاصل شد. بنابراین ضریب آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها در پژوهش حاضر بیشتر از ۰/۷ بود که نشانگر مطلوبیت پایایی ابزارهای مورد استفاده است. در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. همچنین زمان تکمیل پرسشنامه ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش در هر زمان و ارائه اطلاعات فردی مختار بودند. به آنها اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه می‌ماند و این امر نیز کاملاً رعایت شد.

تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و بهره‌گیری از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تبیین ارتباط بین دو متغیر و استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار SPSS و AMOS نسخه ۲۴ انجام شد.

یافته ها

به منظور خوشه‌بندی، ماتریس فاصله استان‌ها مطابق شکل۱ به دست آمد. این ماتریس بر اساس شاخص فاصله(مرحله دوم الگوریتم خوشه‌بندیK -میانگین) بدست آمده است. در این ماتریس تلاقی هر یک از استان‌ها در شکل۱ تفاوت آنها از نظر شاخص سلامت را با یکدیگر نشان می‌دهد. هرچه رنگ مربوط به تلاقی دو استان به قرمز نزدیکتر باشد، تفاوت دو استان از نظر شاخص‌های سلامت بیشتر خواهد بود. همانطور که ملاحظه می‌شود سطرها و ستون‌های استان‌های البرز، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، سمنان، قم، یزد و همدان، رنگ قرمز بیشتری دارد که نشان از فاصله بیشتر این استان‌ها نسبت به سایر استان‌ها است. به منظور تعیین تعداد بهینه خوشه‌ها از ضریب نیم‌رخ استفاده شد. شکل ۲ میانگین ضریب نیم‌رخ را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود، بیشینه ضریب نیم‌رخ در تعداد ۳ خوشه رخ داده است. از این رو تعداد خوشه‌ها، برابر ۳ در نظر گرفته شد.

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

به منظور نمایش بهتر جایگاه هریک از خوشه‌ها، ابتدا از شاخص‌های سلامت با استفاده روش مولفه‌های اصلی، دو مولفه(که سهم آن‌ها به ترتیب ۴۰/۶ و ۲۰/۶ درصد از تغییرات شاخص‌های سلامت است.) استخراج گردیده و سپس نمودار دو بعدی هریک از استان‌ها(با مشخص بودن محل قرارگیری آنها در خوشه مربوطه) رسم گردید. شکل ۳، خوشه‌بندی استان‌های کشور را بر اساس شاخص‌های سلامت استاندارد شده در دو بعد مولفه‌های اصلی نشان می‌دهد. نتایج این شکل نشان می‌دهد که استان‌های همدان، البرز، تهران و قم در خوشه اول قرار دارند. خوشه دوم شامل استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کردستان، لرستان، خراسان شمالی، گیلان، بوشهر، خراسان رضوی، کرمان، گلستان، خوزستان، مازندران، مرکزی، اصفهان، کرمانشاه و قزوین بوده است. در خوشه سوم استان‌های اردبیل، زنجان، ایلام، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، سمنان، چهارمحال و بختیاری، فارس و یزد قرار دارند. شکل۴، استان‌ها را به ترتیب امتیازِ روش تاپسیس نشان می‌دهد. نتایج شکل۴ حاکی از آن است که استان‌های ایلام، یزد، سمنان، خراسان جنوبی، زنجان، اردبیل، فارس، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری به ترتیب بیشترین امتیاز سلامت را داشته‌اند که بر اساس روش خوشه‌بندی نیز در خوشه سوم قرار گرفته‌اند. کمترین امتیاز نیز متعلق به خوشه اول بوده است. استان قم با امتیاز ۰/۵۵۲، تهران با امتیاز ۰/۵۴۰، استان البرز با امتیاز ۰/۴۶۰ و استان همدان با امتیاز ۰/۳۶۴ رتبه‌های ۲۸ الی ۳۱ را داشته‌اند. همچنین استان‌های خوشه دوم با امتیاز تقریبا برابر در رتبه‌های ۱۰ الی ۲۷ قرار گرفته‌اند.

جدول۱ : اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخگویان

تحصیلات	تعداد	درصد		سن
ابتدایی	۹	۵/۰	آماره	مقدار
راهنمایی	۵	۲/۸		
راهنمایی و سیکل	۳۴	۱۸/۹	حداقل	۱۶
دبیرستان و دیپلم	۶۱	۳۳/۹	حداکثر	۵۸
فوق دیپلم و لیسانس	۵۹	۳۲/۸	میانگین	۲۹/۵۸
فوق لیسانس و بالاتر	۱۲	۶/۷	انحراف معیار	۷/۳۴۷
جمع	۱۸۰	۱۰۰	-	-

جدول ۲: ماتریس همبستگی ابعاد پرخاشگری با ابعاد کیفیت زندگی

متغیرها	پرخاشگری بدنی	پرخاشگری کلامی	خشم	خصومت	سلامت جسمی	سلامت روان	روابط اجتماعی	سلامت محیط
پرخاشگری بدنی	۱							
پرخاشگری کلامی	۰/۴۶۲**	۱						
خشم	۰/۶۵۱**	۰/۴۶۰**	۱					
خصومت	۰/۵۴۳**	۰/۵۶۴**	۰/۶۲۶**	۱				
سلامت جسمی	-۰/۲۷۰**	-۰/۱۹۳**	-۰/۳۳۵**	-۰/۲۱۸**	۱			
سلامت روان	-۰/۲۷۴**	-۰/۱۷۶*	-۰/۳۷۴*	-۰/۳۱۷**	۰/۶۴۳**	۱		
روابط اجتماعی	-۰/۰۲۹	-۰/۰۵۹	-۰/۱۷۱*	-۰/۰۱۶	۰/۴۴۸**	۰/۴۷۸**	۱	
سلامت محیط	-۰/۲۵۸**	-۰/۱۴۶*	-۰/۳۲۶**	-۰/۲۲۱**	۰/۶۳۴**	۰/۶۸۰**	۰/۵۰۴**	۱

** معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ * معنی‌دار در سطح ۰/۰۵

جدول ۳: برآورد مقادیر مربوط به مدل‌های عاملی مدل معادله ساختاری

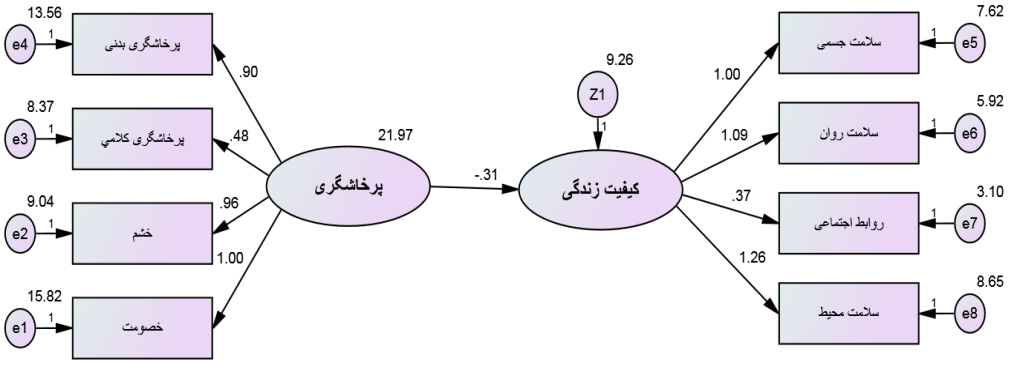
متغیر	خرده‌مقیاس	بار عاملی	مقدار بحرانی	سطح معناداری
کیفیت زندگی	سلامت جسمی	۰/۷۷۴	--	--
	سلامت روان	۰/۸۳۳	۱۰/۸۹۶	۰/۰۰۱
	روابط اجتماعی	۰/۵۷۹	۷/۴۷۴	۰/۰۰۱
	سلامت محیط	۰/۸۲۲	۱۰/۷۹۵	۰/۰۰۱
پرخاشگری	پرخاشگری بدنی	۰/۷۵۳	۹/۵۴۰	۰/۰۰۱
	پرخاشگری کلامی	۰/۶۱۵	۷/۷۷۸	۰/۰۰۱
	خشم	۰/۸۳۲	۱۰/۲۴۹	۰/۰۰۱
	خصومت	۰/۷۶۳	--	۰/۰۰۱

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]

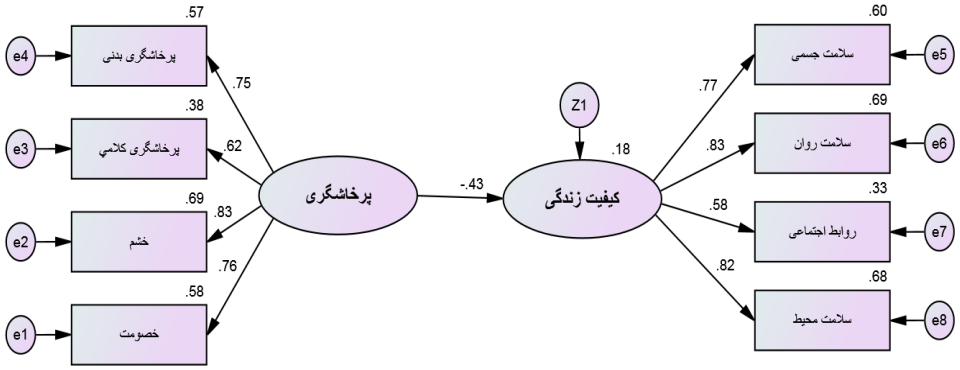
[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

جدول ۴ : برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	CMIN	DF	CMIN/DF	GFI	NFI	IFI	TLI	CFI	PCFI	RMSEA
مقدار	۳۲/۹۹۴	۱۹	۱/۷۳۷	۰/۹۵۷	۰/۹۴۷	۰/۹۷۷	۰/۹۶۵	۰/۹۷۶	۰/۶۶۲	۰/۰۶



نمودار ۱ : مدل معادله ساختاری رابطه پرخاشگری و کیفیت زندگی در حالت غیراستاندارد



نمودار ۲: مدل معادله ساختاری رابطه پرخاشگری و کیفیت زندگی در حالت استاندارد

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد پرخاشگری بر کیفیت زندگی، تاثیر معکوس و معنی‌دار دارد، یعنی با افزایش پرخاشگری، کیفیت زندگی زوجین به طور معنی‌دار کاهش می‌یابد طلاق، علاوه بر زن و شوهر بر فرزندان و اقتصاد جامعه تأثیر می‌گذارد [۲۶]. عوامل مختلفی بر طلاق زوجین تاثیرگذارند و تمرکز بر عوامل شخصیتی و روانی اهمیت ویژه‌ای در این میان دارد. یکی از عوامل مهمی که بر اقدام به طلاق از سوی زوجین منجر می‌شود، مسئله وقوع رفتارهای پرخاشگرانه و خصمانه بین زوجین است. که با یافته‌های پژوهش شاه‌بختی و همکاران و لطفیان و همکاران همسو بود [۲۷،۲۸]. زوج‌های در آستانهٔ طلاق به‌علت تعارضات بالا و افکار و هیجانات منفی‌ای که دارند، کیفیت زندگی نامناسبی داشته و رضایت از زندگی پایینی را تجربه می‌کنند. طبق یافته‌های پژوهش حاضر، پرخاشگری کلامی با میانگین ۲/۶ بالاترین فراوانی را در بین زوجین متقاضی طلاق داشته است که این مسئله را می‌توان این‌چنین تبیین کرد که عدم توانایی در برقراری ارتباط موثر باعث پاسخ‌های تدافعی در همسران شده و لذا خشونت کلامی مثل تحقیر، تهدید، توهین، ناارزنده‌سازی و جرو بحث بین آن‌ها بیشتر اتفاق می‌افتد. پرخاشگری کلامی به عنوان یکی از مولفه‌های مهم موثر بر کاهش کیفیت زندگی رواج نسبتا شایعی در بین زوجین متقاضی طلاق دارد که یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌هایی از جمله راهایو و حمید، ذکور و همکاران، آخوندی و همتی، پمپیلی،کارلون و

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

سیلورستریني و نیکلا و جابری، اعتمادی و احمدی همسو بود [۳۳-۲۹]. پرخاشگری بدنی کمترین میانگین را بین مؤلفه‌های پرخاشگری داشته است یعنی شیوع خشونت بدنی بین زوجین متقاضی طلاق، فراوانی کمتری دارد که با یافته‌های بشرپور، ذبیحی، حیدری و میکاییلی و خانجانی و ظفرقلی‌زاده ناهمسو بود [۳۴،۳۵]. در تبیین علت این مسئله می‌توان گفت که جامعه‌پذیری جنسیتی در بروز یا عدم ابراز خشونت جسمانی نقش مؤثری ایفا می‌کند. وجود روابط خصمانه بین زن و شوهر، کیفیت زندگی آنها را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد (به جز بر روابط اجتماعی)، که می‌توان این چنین نتیجه گرفت که از آنجایی که هر انسانی می‌تواند روابط اجتماعی گسترده‌تری جدای از ازدواج خود داشته باشد، روابط دوستی و اجتماعی تحت تاثیر خشم تجربه شده قرار نگیرند و حتی نقش موثری بر کاهش خشم تجربه‌شده داشته‌باشند. در متغیر کیفیت زندگی، خرده مقیاس سلامت روان کمترین میانگین را در بین سایر ابعاد این متغیر داشته است. این مسئله را اینگونه می‌توان تبیین کرد که فشار روانی ناشی از نارضایتی در زندگی مشترک، باعث کاهش کیفیت زندگی آنها خصوصاً در بعد سلامت روان شده است. به نظر می‌رسد به علت شرایط ویژه‌ای که زوجین متقاضی طلاق تجربه می‌کنند فشارهای روانی متعدد باعث اختلالات یا بدکارکردی‌های روانی شود که سلامت روان آنها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. یافته های پژوهش نشان داد که پرخاشگری بر کیفیت زندگی زوجین متقاضی طلاق تاثیر معکوس و معنی دار دارد. پژوهش حاضر در بین نمونه‌ای از زوجین متقاضی طلاق شهر یزد انجام شده و توصیه می‌شود بر نمونه‌های بزرگتری هم انجام گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود شیوع پرخاشگری به تفکیک جنسیت در بین زوجین متقاضی بررسی گردد و مراکز مشاوره و روانشناسی نیز می‌توانند با به کارگیری مداخلات پیشگیرانه و مداخلات بهنگام در تعارضات زناشویی در کاهش خشونت در خانواده تاثیرگذار باشند. از محدودیت‌های مهم این پژوهش، بررسی متغیر پرخاشگری بر کیفیت زندگی زوجین بوده در حالیکه تصمیم به طلاق چند عاملی است و لازم است سایر عوامل نیز در ارتباط با طلاق بررسی شود.

تعارض منافع: یافته‌های این مقاله هیچگونه تضادی با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

سهم نویسندگان

سیدعلیرضا افشانی: مدل‌سازی و تحلیل آماری
آزاده ابویی: نگارش مقاله و ادبیات تحقیق و بحث و نتیجه گیری
فاطمه عاصی حداد: همکاری در تدوین مقاله

تشکر و قدردانی

از تمامی مسئولان مرکز تحکیم خانواده و دادگاه طلاق شهر یزد و تمامی شرکت‌کنندگان تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

1. Bernardi F, Martínez-Pastor JI. Divorce risk factors and their variations over time in Spain. Demographic Research 2011; 24: 771-800
2. Jawdani n. investigating the causes of divorce by women applying for divorce in Hamadan. Police Woman 2014; 2 13: 43-55 [Persian]
3. Akhavi Samarin Z, Nawabinejad Sh, Sanaei Zakir B, Akbari M. Attachment styles and the degree of forgiveness between women seeking divorce and ordinary women. Socio-Psychological Studies of Women 2013; 35: 55-82 [Persian]
4. Derakhshan M, Khormai F. The effect of intervention of general model of aggression and skills training based on dialectical behavior therapy on aggression and anger rumination. Transformational Psychology: Iranian Psychologists 2022; 17 68: 393-404 [Persian]
5. Sadeghi A, Sajjadian E, Nadi M. Comparison of the effectiveness of compassion-based mindfulness and mindfulness-based cognitive therapy on dysfunctional attitudes, self-control and mental health. Journal of Positive Psychology 2021; 6 1: 31-48 [Persian]
6. Narimani M, Pourasmaili A, Hajlo N, Michael N. Persistent vulnerabilities and marital boredom among couples seeking divorce: The mediating role of stressful events. Family Counseling and Psychotherapy 2015; 18 27: 23-49 [Persian]
7. Ashraf M, Bahrami F, Fatehizadeh M. The effectiveness of group education of divorced mothers with an integrated approach in Isfahan on their

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

adjustment. Culture of Counseling and Psychotherapy 2012; 3 11: 21-41 [Persian]
8. Rashidi A, Sharifi K, Naqshina I. Relationship between family communication model and self-differentiation with quality of life of women seeking divorce in Kermanshah. Pathology. Family Enrichment Counseling 2016; 3: 66-78 [Persian]
9. Mirzaei H, Aghayari Hir T, Kabati B. Study of quality of life of married women in the framework of family institution. Journal of Sociology of Social Institutions 2014; 1 3: 71-93 [Persian]
10. Giti Pasand Z, Farahbakhsh K, Ismaili M, Zakai M. Components of the meaning of life in divorced couples. Family Counseling and Psychotherapy 2015; 2 17: 50-80 [Persian]
11. Azizi A, Qasemi S. Comparison of the effectiveness of three approaches to cognitive-behavioral and solution-based therapies based on acceptance and commitment on depression and quality of life of divorced women. Culture of Counseling and Psychotherapy 2017; 8 29: 236-207 [Persian]
12. Asghari F, Sadeghi A, Zare Khakdoost S, Entezari M. Investigating the relationship between maladaptive schemas with marital conflict and marital instability between couples seeking divorce and normal couples. Bi-Quarterly Journal of Pathology, Counseling and Family Enrichment 2014; 1 1: 46-58 [Persian]
13. Tavakol M, Heidarei A. The relationship between the quality of life and hope with depression among divorced women and divorce applicant. International Letters of Social and Humanistic Sciences 2015; 55: 95-100 [Persian]
14. Taqawi Dinani P, Bagheri F, Khalatbari J. Qualitative study of the experiences of divorced men and women from psychological factors affecting divorce. Journal of Psychological Sciences 2020; 19 86: 213-228 [Persian]
15. Siddiq S, Atefi S, Hassani Pourfallah Behdani M. The relationship between quality of life and aggression and anxiety. Journal of Guilan Law Enforcement Science 2018; 7 26: 48-66 [Persian]
16. Momeni Kh, Karami J, Havizizadegan N. The relationship between emotion seeking, positive and negative emotions and emotional resentment with marital infidelity. Journal of Health and Care 2017; 4: 230-220 [Persian]
17. Habib Pourghtabi K, Nazak Tabar H. Factors of divorce in Mazandaran province. Strategic Studies of Women 2011; 53 42: 128-87 [Persian]
18. Qureshi F, Shir Mohammadi D, Borjund A. Understanding the causes of divorce from the perspective of men and women at risk of divorce and divorce; Case study of Saqez city. Strategic Researches of Social Issues of Iran 2014; 3 1: 19-30 [Persian]
19. Fouladi A, Shah Nemati Gavgani N. Investigating the causes of divorce in East Azarbaijan province - Tabriz. Research Society, Institute of Humanities 2015; 6 2: 89-113 [Persian]
20. Rosnati R, Barni D, Uglia D. Adolescents and parental separation or divorce: The protective role of values against transgressive behavior. Procedia-Social and Behavioral Sciences 2014; 140: 186-91
21. Antunes A.S, De Stefano J. Domestic violence and mental health. Psychology of Women Quarterly 2014; 38: 301-311
22. Pourmohseni koluri F.Ranjbar H. The role of victim sensitivity, hostile attribution bias and anger rumination in predicting marital status. Journal of family psychology 2020; 28 [Persian]
23. Samani S. Evaluation of reliability and validity of Bass and Perry questionnaire. Assessing the reliability and validity of the Bass and Perry Aggression Questionnaire. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology 2007; 13 4: 359-365 [Persian]
24. Bonomi AE, Patrick DL, Bushnell DM, Martin M. Validation of the United States' version of the world health organization quality of life (WHOQOL) instrument. Journal of clinical epidemiology 2000; 53 1:1-2
25. Karimloo M, Salehi M, Zayedi F, Mesbah Cholabi O, Hatami A, Mousavi Khatat SM. Development of Persian version of the quality of life of the World Health Organization. Rehabilitation 2010; 11 4: 73-82 [Persian]
26. Perry SL, Schleifer C. Till porn do us part? A longitudinal examination of pornography uses and divorce. The Journal of Sex Research 2018; 55 3: 284-96

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]
[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]

27. Shah Bakhti Z, Shafiabadi A, Hassani J, Jajarmi M. Designing a family concept model in couples seeking divorce based on data theory. Journal of Social Work 2018: 15 5 [Persian]
28. Latifian M, Arshi M, Alipour F, Ghaed Amini Harouni Gh. Investigating the Relationship between Domestic Violence and Emotional Divorce among Married Women in Tehran in 2016. Social Work Quarterly 2018; 5 2: 5-12 [Persian]
29. Rahayu NA, Hamid AY. Relationship of verbal aggresiveness with self-esteem and depression in verbally aggressive adolescents at public middle school. Enfermería Clínica 2021; 31: 281-5
30. Zakhour M, Haddad C, Salameh P, Al Hanna L, Sacre H, Hallit R, Soufia M, Obeid S, Hallit S. Association Between Parental Divorce and Anger, Aggression, and Hostility in Adolescents: Results of a National Lebanese Study. Journal of Family 2021, 11 7: 45-61
31. Akhundi M, Hemmati F. Study of the backgrounds and contexts of the formation of the divorce process: Mashhad. Khorasan Socio-Cultural Studies 2019; 14 2: 7-29 [Persian]
32. Pompili E, Carlone C, Silvestrini C, Nicolò G. Focus on aggressive behavior in mental illness. Current psychiatry reports 2017; 5 25:175-179
33. Jaberi S, Etemadi A, Ahmadi A. Investigating the relationship between communication skills and marital intimacy. Cognitive and Behavioral Sciences Research 2015; 5 2: 143-152 [Persian]
34. Basharpour S, Zabihi S, Heidari F. The effect of self-defense training on the reconciliation and solidarity of the families of women involved in domestic violence referred to the Ardabil Judiciary. Family Counseling and Psychotherapy 2017; 7 2 [Persian]
35. Khanjani Z, Zafar Gholizadeh N. The relationship between aggression and marital satisfaction in married employees of state-owned banks in Urmia. Women and Family Studies 2009; 2 5: 41-65 [Persian]

[Downloaded from payeshjournal.ir on 2026-11-21]

[DOI: 10.61186/payesh.23.1.91]